



ضرورت بکارگیری ادبیات داستانی ایرانی - اسلامی در محتوای برنامه ی فلسفه برای کودکان

رکسانا رشیدپور^۱، معصومه قدمیاری^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر ضرورت بکارگیری ادبیات داستانی ایرانی - اسلامی در محتوای برنامه ی فلسفه به کودکان در ایران می باشد. در این برنامه آموزشی از داستان ها به منزله ابزار اصلی آموزش استفاده می شود. علاوه بر آن یکی از مسائل مهم فلسفه برای کودکان انتخاب محتوای داستانی است. با توجه به اینکه غالب داستان های موجود در برنامه ی فلسفه برای کودکان آثاری ترجمه شده هستند که متناسب با فرهنگ غرب است که این آثار درصدد آموزش مضامینی است که با فرهنگ بومی سرزمین ما مانوس نیست. همین امر بومی سازی و توجه به رویکرد ایرانی - اسلامی را در ادبیات داستانی برنامه فلسفه برای کودکان ضرورت می بخشد. مقاله حاضر، با تایید برنامه ی آموزش فلسفه به کودکان، سعی دارد نشان دهد که استفاده از کتاب های داستانی ایرانی - اسلامی کودکان در برنامه درسی یک ضرورت است و می تواند نقش بسزایی در پیشبرد تفکر کودکان داشته باشد. بنابراین باید با داستان ها به منزله یک ابزار آموزشی نگاه کرد و داستان خوانی را جزء برنامه های اصلی کودکان در مدارس قرار داد تا کودکان بتوانند از طریق گفت و گو در مورد آن ها قدرت تفکر خود را بالا ببرند

واژه های کلیدی (بین ۴ تا ۸ واژه): فلسفه برای کودکان، محتوای فلسفه برای کودکان، ادبیات داستانی،

ایرانی - اسلامی

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اراک، Roxana.rashidpour@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، gah_ghadam@yahoo.com



مقدمه

علاقه به توسعه توانایی های فکر موضوعی نیست که فقط در عصر حاضر بدان توجه شده باشد، بلکه چنین علاقه ای در تاریخ تعلیم و تربیت ریشه دارد (شعبانی، ۱۳۸۲). ایده اولیه فلسفه برای کودکان در اواخر دهه ۱۹۶۰ زمانی شکل گرفت که متیو لیپمن استاد فلسفه به فقدان قدرت استدلال و قدرت تمیز و داوری در بین دانشجویانش پی برد. او برای بالا بردن این توانایی ها تلاش بسیار کرد، ولی پس از مدتی متوجه شد که برای بهبود قدرت تفکر این دانشجویان دیر شده است و تقویت این توانایی ها باید در دوران کودکی انجام گیرد. به عبارت دیگر، از نظر لیپمن کودکان در یازده یا دوازده سالگی باید به آموختن تفکر یا "تفکر در باره ی تفکر" بپردازند (لیپمن، ۲۰۰۳، ۴۶) که مشخصه اصلی تفکر فلسفی است. ریشه های پژوهش فلسفی و آموزش فلسفه به کودکان از اندیشه های سقراطی گسترش درک ایده ها، مسائل و ارزش های دیگران است و هدفشان حرکت تفکر از مبهم به واضح، از بی منطقی به منطقی و از نیازموده به آزموده است. (Lambright، ۱۹۹۵: ۳۱).

برای اجرای برنامه ی آموزش فلسفه به کودکان، کتاب های داستانی ویژه ی کودکان تالیف شده است. این داستان ها محرکی برای تفکر، پرسش، و تفکر انتقادی کودکان است. به همین علت، برنامه فلسفه برای کودکان مدعی آن است که الگوی مناسبی را، برای پرورش توان پرسشگری و تفکر انتقادی، که هر دو از مولفه های پژوهشگری اند، در حلقه کندوکاو ارائه می دهد. اگر بتوانیم کودکان را تشویق کنیم تا با فرایند ذهنی شخصیت های داستان ارتباط برقرار کنند و به دنبال پاسخی برای ابهامات و نکات شگفت انگیز داستان باشند، آن ها هم شیوه ی پرسش و پاسخ را در پیش می گیرند و هم برای آن ارزش قائل می شوند. برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان به آن ها نمی گوید به چه چیزی فکر کنند؛ در نهایت، این امر به خود کودک بستگی دارد. فلسفه برای کودکان ابزار عقلی، اجتماعی، عاطفی ای را در اختیار آن ها قرار می دهد که برای تفکری خردمندانه و مستدل لازم است و به وسیله کاوشگری جمعی در کلاس، آن ها را ترغیب می کند تا با تعهد و شجاعت آن گونه می خواهند رفتار کنند. لیپمن مدعی است برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با ایجاد حلقه کندوکاو در کلاس درس قصد دارد به کودکان کمک کند تا هر آنچه قرار است در صحنه اجتماع انجام دهند، در این حلقه بیاموزند و تمرین کنند. (ناجی، ۱۳۸۷).

از نظر لیپمن، بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان استفاده از داستان است. او به همین منظور کتاب هایی برای کودکان نوشته است. او سعی دارد در قالب داستان، رفتارهای مختلف کودکان را نشان دهد و در قبال این رفتارها، ذهن کودکان را به پرسش و تفکر برای یافتن پاسخ وادارد. شخصیت داستان های او موضوعات فلسفی، مانند ماهیت تفکر و نحوه کارکرد ذهن را مورد بحث قرار می دهند (فیشر، ۲۰۰۵). کودکان می آموزند به سخنان همسالان خود گوش کنند و به نظر آنان احترام بگذارند. همچنین می آموزند که برای بسیاری از پرسش های



فلسفی جواب معین، و مطلقا درست یا مطلقا غلط وجود ندارد و در نتیجه یاد می گیرند که جزم اندیشی را زیر سوال ببرند، فرضیه ها را به چالش بکشند و استدلال ها را بیازمایند (همان، ص ۲۷۴) مقاله حاضر سعی دارد نشان دهد که داستان های ایرانی - اسلامی نظیر آثار کهن فارسی همچون شاهنامه، مثنوی، کلیله و دمنه و ... به دلیل داشتن داستان هایی با مضامین اخلاقی و فلسفی ظرفیت لازم را برای استفاده در برنامه ی فلسفه برای کودکان دارند. با بازنویسی مناسب این داستان ها می توان از آن ها به عنوان داستان های فلسفی در برنامه فلسفه برای کودکان بهره گرفت. با این کار گامی موثر در راستای تدوین محتوای برگرفته از ادبیات داستانی با رویکرد ایرانی - اسلامی در برنامه فلسفه برای کودکان برداشت.

مبانی نظری مقاله

ادبیات کودکان معنا محور و منبعی غنی برای آموزش آنان است. عامل اصلی تفاوت در داستان هایی که از قرن هجده تاکنون برای کودکان به رشته تحریر در آمده اند در نوع هنجارهایی است که داستان ها به آن ها توجه داشته اند. بررسی ها نشان می دهند که داستان ها را چهار نوع هنجار اصلی از یکدیگر متمایز می کند. در هنجار اول، ایده ی ارشاد کودکان عاملی برجسته است و آموزش ارزش های اجتماعی از طریق این داستان ها صورت می گیرد. در این هنجار، داستان های کودکان ابزاری اند که بین کودک و دانش و ارزش ها میانجی گری می کنند (Ewers, 2009). نقش این داستان ها انتقال پیام هایی است که با توانایی های زبانی و عقلی، سطح درک و شناخت، دانش عمومی، توانایی پیام گشایی و تجربه کودک از محیط اطراف هماهنگ هستند.

هنجار دوم نقش آموزشی داستان هاست. نکته اصلی در این هنجار این است که کودک، از طریق داستان، با ابعاد فرهنگی اجتماع آشنا می شود، به جهان پیرامون آگاه می شود و واقعیات را درک می کند. هنجار سوم ادبیات کودکان را ادبیاتی می بینند که مناسب کودکان و نوجوانان باشد، یعنی در خلق پیام باید به توانایی زبان شناختی، عقلانی، ادراکی، و دانش عمومی کودک توجه شود. داستان هایی که هدفشان آموزش است به طرزهای ادبی زمان خود توجه دارند و مفهوم ادبی زمان خود را نشان می دهند؛ به عبارت دیگر، در خلق ادبیات کودک، نمادهای رایج کفایت می کنند و به سیستم خاصی از نمادها نیازی نیست.

نوع چهارم هنجار توجه به گذشته است. در این هنجار، داستان ها معیار با فرهنگ رایج زمان خود هستند و طرزهای قدیمی را منعکس می کنند. در این داستان ها، اثری از دنیای مدرن نیست بلکه داستان های فولکلوریک، افسانه های قدیمی، ضرب المثل ها محور اصلی داستان ها هستند. این نوع ادبیات، برای افزایش توانایی خواندن و سطح سواد کودک، می توانند استفاده شوند. آنچه نقش داستان را به منزله ابزار آموزشی بارز می کند این است که داستان ها با بهره گیری از ساختاری منسجم به شرح واقعه یا مجموعه ای از وقایع تخیلی



می پردازند و موجب رشد شخصیت ها، انگیزه ها و آهنگ داستان می شوند و تجربه ای را با خواننده به اشتراک می گذارند. پیگیری موضوعی مشخص، که در جهت کمال شخصیت و پیرنگ داستان است، انسجام فکری کودک را ممکن می کند. نکته ی مهم دیگر انتخاب موضوعات این داستان ها از میان مسائل عادی و روزمره است. هدف این است که با اشاره به اهمیت ضمنی این وقایع به ظاهر پیش پا افتاده بتوان پیچیدگی های ذهن و رفتار انسان را نشان داد و از این طریق خواننده را به تفکر واداشت. مفاهیم و اصول ادبی موجود در بسیاری از کتاب های کودکان، از جمله شخصیت پردازی، پیرنگ و موضوع و ساختار منابعی غنی برای آموزش تفکر هستند، نکاتی که داستان های ضعیف، رمان های فلسفی لیپمن (فیشر، ۱۳۶: ۲۰۰۳) فاقد آن هاست.

به طور کلی می توان رابطه فلسفه و ادبیات کودک را به دو شکل تصور کرد: ادبیات در خدمت فلسفه و فلسفه در خدمت ادبیات. در صورتی که ادبیات را ابزاری در خدمت فلسفه بدانیم، آن گاه می توان به فلسفه از دو دیدگاه نگریم. دیدگاه اول فلسفه را محتوا به حساب می آورد، که در این صورت نقش ادبیات آموزش فلسفه به کودکان خواهد بود؛ رمان های لیپمن نمایانگر این رابطه اند. نگاه دیگر به فلسفه آن است که متن ادبی کودک را وسیله ای بدانیم که از طریق آن می توان به کشف نظریه ی فلسفی نویسنده متن دست یافت. در این صورت، تصور بر این است که هر نویسنده یا شاعر دارای فلسفه ای است که خواسته یا ناخواسته در متنی که آفریده است؛ مستتر است (خسرونژاد، ۱۳: ۱۳۸۹). مانند نویسندگانی که با جهان بینی خاصی برای کودکان کتاب می نویسند. نوع درون مایه داستان، واژگان انتخابی نویسنده و لحن او، و نوع رابطه ای که بین کودک و نویسنده برقرار می شود همگی به گونه ای ناخودآگاه و یا پنهان نشانگر انسان شناسی و جهان شناسی ویژه هنرمند این حیطه است. نوع دوم رابطه فلسفه را وسیله ای برای آفرینش ادبیات کودک می بیند. در این صورت، داستان هایی که در چهارچوب این رابطه خلق می شوند می توانند در آموزش تفکر موثر باشند و دانش و آگاهی کودکان را افزایش دهند.

مرور پیشینه ها

از دهه ۱۹۶۰، به آموزش مهارت های استدلال و الگوی آموزش فلسفه به کودکان از بعد عملی و تجربی توجه شد و تحقیقات بسیاری در باره آن ارائه شد و مطالعات انجام شده در کشورهای گوناگون از جمله ایران، سودمندی این برنامه را تاکید می کند و گواه آن است که رویکرد فلسفی می تواند در بهبود داستان گوئی و ادبیات داستانی، پرسش گری و تفکر انتقادی سودمند باشد. چکیده ای از نتایج این تحقیقات را مرور می کنیم در ایران چند سالی پیش نیست که آموزش فلسفه برای کودکان وارد ادبیات علمی و آموزش و پرورش شده است. اولین بار در ایران این برنامه در مقاله ای تحت عنوان برنامه آموزش فلسفه به کودکان توسط صفایی مقدم (۱۳۷۷)



معرفی شده است و همچنین ترجمه کتاب داستانهای فکری توسط باقری در سال ۱۳۷۹ و تالیف کتاب «آموزش فلسفه به کودکان» توسط قائدی در سال ۱۳۸۳ زمینه را برای مطالعات بیشتر فراهم ساخته است. در همین سال پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی با برگزاری کارگاههای آموزش برای معلمان، مصاحبه با بانیان این برنامه (لیپمن و شارپ) و ایجاد سایت اینترنتی اقداماتی برای اطلاع رسانی بیشتر در این زمینه انجام داده و همچنین چند رساله ی دکتری با موضوع این برنامه به انجام رسیده است. (رحیمی نسب، ۱۳۸۶)

ناجی (۱۳۸۵) در دبستان شهید حائری تهران کودکان ۸ تا ۱۱ ساله را برای شرکت در کارگاه تفکر برای کودکان و نوجوانان جمع نمود تا کودکان بتوانند در این حلقه کندوکاو کنند و به ارائه استدلال پرداخته و روحیه انتقادپذیری و مهارت‌های فکری خود را تقویت کنند. ناجی - رئیس گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - هدف از این کارگاه را آزمایش قرائت داستان در حلقه‌ی کندوکاو و تأثیر آن بر آموزش کودکان اعلام نمود. کودکان ضمن ابراز علاقه و اشتیاق خود برای شرکت در این کلاسها، یادگیری بحث، گفتگو، دوستی، آشنایی با یکدیگر، استدلال و انتقاد را از نکات مثبت این کارگاه دانستند. وی در رابطه با پیشرفت و ارزیابی کودکان طی هفت جلسه اذعان داشت: شاید طی نخستین جلسات کودکان به سادگی نمی‌توانستند نظرات خود را ابراز کنند اما پس از آن بدون توجه به عواملی چون کم رویی حتی در کنار تعدادی بزرگ‌سالمی‌توانند نقطه نظرات خود را به راحتی ابراز کنند این در شرایطی است که آن‌ها با یادگیری قواعد فلسفه برای کودکان چون احترام به حقوق دیگران، عدم قطع صحبت دوستان خود و نقد بدون واژه هر جلسه نسبت به جلسه پیشین پیشرفت کردند. وی یادآور شد: پس از گذشت هفت جلسه با کودکان روحیه ی انتقادپذیری آن‌ها به نحو قابل توجهی افزایش یافته است و با خواندن داستانی چون «خانه ی من یا خانه ی تو» مفهوم دوستی در نظر آن‌ها بهتر و واضح تر می‌شود. (خبرگزاری مهر)

فاطمه السادات موسوی ۱۳۸۹ «بررسی چالش‌ها و فرصت‌های آموزش فلسفه به کودکان و ارائه الگویی برای آموزش و پرورش ایران» ارائه نمود پژوهشگر در صدد شناخت نقاط ضعف و قوت این برنامه از طریق مصاحبه با معلمان و مربیان و متخصصان درگیر طرح P4C بوده و چالش‌ها و فرصت‌ها پیرامون برگزاری برنامه در ایران و بومی‌سازی آن را نقد نموده است.

مطرودی (۱۳۹۰)، «بررسی تحلیلی عوامل مؤثر در پرورش تفکر انتقادی کودکان مقطع ابتدایی» را مورد پژوهش قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عواملی از قبیل معلم، محیط یادگیری، کودک و همچنین روش‌های آموزش از قبیل داستان‌گویی، گفتگوهای جمعی، روش حل مسئله و روش‌های مبتنی بر ایده اجتماع پژوهی تفکر انتقادی مؤثر هستند. در کنار این عوامل، عوامل بازدارنده‌ای از قبیل درون‌گرایی خود محوری و استبداد رأی مطرح شده‌اند.



بگری و سانتی (۲۰۱۲) طی پژوهشی با عنوان «گم شدن در ابعاد کودک و ایجاد سیستم آموزشی مناسب ظرفیت ها و توان فلسفه برای کودکان» پس از بررسی چگونگی ظرفیت باز اندیشی اهداف سیستم های آموزشی هم از نظر اهداف فردی و اجتماعی به این نتیجه دست یافتند که برای رشد همه ی افراد اجتماع و رشد تفکر خلاق، خلاقیت ابزار لازم برای این کار تنها از طریق آموزش و پرورش امکان پذیر است. فلسفه برای کودکان، ابزار و ظرفیت لازم برای دست یافتن به این اهداف در جامعه از طریق آموزش و پرورش را دارد.

بیستا (۲۰۱۱) طی پژوهشی با عنوان «فلسفه نمایش دادن و کودکان: چطور به طور مؤثری از فلسفه استفاده کنیم» با بیان اینکه از فلسفه برای کودک هم اکنون در اکثر نقاط دنیا در امر آموزش استفاده می گردد. در پی یافتن میزان اهمیت بحث و گفتگو های فلسفی در آموزش است. در نهایت به این نتیجه رسیده است که نه تنها به اینکه ما از روش های فلسفی در آموزش استفاده کنیم کافی نیست. ما باید خود را به طور مؤثری با معنای درگیر امر آموزش کنیم.

روش شناسی مطالعه

در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می شود. ریشه تحلیل محتوا را باید در تحلیل معانی دانست که برای تفسیر و فهم معانی پنهان در متون قدیم و پیام ها به کار می رفته است، اما امروزه تحلیل محتوا به تدریج توسعه پیدا کرده و در آن علاوه بر توصیف محتوا و پیام ها، به نتیجه گیری در باره فرستنده و مخاطب و نیز واقعیت اجتماعی پرداخته می شود. باید دانست که تحلیل محتوا به عنوان یک روش تحقیق علمی است که نتیجه تجربه اندیشمندان و اندیشه های جمع آوری شده آنان می باشد. (محمدی، ۱۳۸۷)

یافته ها (بحث و بررسی)

نخستین برنامه درسی فلسفه برای کودکان، به وسیله ماتیو لیپمن و دستیاران وی در دانشگاه مونتکلیر ایالت نیوجرسی آمریکا نوشته شد. یک واحد درسی شامل یک کتاب درسی یا یک داستان است که به گروهی از کودکان ارائه می شود. سپس، آن ها در ایجاد یک اجتماع پژوهشی در مدرسه یا بیرون از آن مشارکت داده می شوند. در اینجا، مفهوم فلسفه به عنوان یک روش گفت و گو بین کودکان و بزرگترها یا فقط بین کودکان مد نظر قرار می گیرد. (قائدی، ۱۳۸۳) یکی از پیش فرض های موجود در این برنامه تاکید می کند که کودکان زمانی بیشتر یاد می گیرند که کتاب هایشان به شکل داستان باشد. با توجه به همین پیش فرض، لیپمن به نوشتن ۱۴ کتاب در قالب داستان روی آورد. در این گونه داستان ها به گونه آگاهانه و طراحی شده، سخن، مسئله یا نکته ای فلسفی گنجانده می شود و پس از خواندن داستان آن نکته در گروهی که با معلمی کارآموده هدایت می شود،



مورد بحث قرار می‌گیرد. (خسرونژاد، ۱۳۸۶) استفاده از داستان و سبک حکایه برای به چالش کشیدن تفکر و پروراندن روح پرسشگری از دیر باز مورد توجه بوده است. انسان به خاطر ویژگی‌های خاص روحی اش به داستان علاقه دارد. (پورخالقی، ۱۳۸۱) آنچه نقش داستان را به منزله ابزار آموزشی بارز می‌کند این است که داستان‌ها با بهره‌گیری از ساختاری منسجم به شرح واقعه یا مجموعه‌ای از وقایع تخیلی می‌پردازند و موجب رشد شخصیت‌ها، انگیزه‌ها و آهنگ داستان می‌شوند و تجربه‌ای را با خواننده به اشتراک می‌گذارند. پیگیری موضوعی مشخص، که در جهت کمال شخصیت و پیرنگ داستان است، انسجام فکری کودک را ممکن می‌کند. نکته‌ی مهم دیگر انتخاب موضوعات این داستان‌ها از میان مسائل عادی و روزمره است. هدف این است که، با اشاره به اهمیت ضمنی این وقایع به ظاهر پیش‌پا افتاده بتوان پیچیدگی‌های ذهن و رفتار انسان را نشان داد و از این طریق خواننده را به تفکر وا داشت. مفاهیم و اصول ادبی موجود در بسیاری از کتاب‌های کودکان، از جمله شخصیت‌پردازی، پیرنگ، موضوع و ساختار منابعی غنی برای آموزش تفکر هستند. (فیشر، ۱۳۸۵)

فلسفه برای کودکان، هدف‌های شناختی روشنی دارد. ذهن را وادار به عمل می‌کند. این کار از طریق چالش‌ها، تفکر اصولی و تعامل ساختاری انجام می‌گیرد. هینز (۲۰۰۲) معتقد است که این برنامه در عین حال هدف اجتماعی نیز دارد و آن، آموزش فرایند تصمیم‌گیری دموکراتیک است. این برنامه در پرورش مشارکت منظم و پرورش خودآگاهی فرد سهمی قطعی دارد. آموزش روش فکر کردن می‌تواند عمومی‌ترین و کلی‌ترین هدف این برنامه درسی باشد. به نظر لیپمن، هدف عمده‌ی این برنامه آن است که به کودکان کمک کند تا بیاموزند که چگونه برای خودشان فکر کنند. محتوای آموزشی به کمک سه منبع صورت می‌گیرد: داستان‌های کوتاه فلسفی، کتاب راهنمای معلم و معلم. یکی از مولفه‌های اصلی این برنامه کتاب‌های آن است. برای انجام این برنامه، کتاب‌های داستانی ویژه‌ای تالیف شد. این داستان‌ها به گونه‌ای نوشته می‌شوند که در آن برخی ایده‌های فلسفی کاملاً متفاوت، بدون ترتیب خاص در صفحات پخش می‌شود. کودکان با کنجکاوی ذاتی‌شان نمی‌توانند از برانگیخته شدن توسط آنها خودداری کنند و حتی دلشان می‌خواهد سایر اعضای کلاس نیز آنها را بیازمایند و مورد بحث قرار دهند. (به نقل از قاضی، ۱۳۸۷) به این ترتیب، محتوا در برنامه‌ی درسی فبک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چالش پیش روی برنامه درسی فبک در ایران، غیربومی بودن محتواست. توجه به این مسئله که داستان‌های نگارش شده توسط لیپمن، در بردارنده‌ی مفاهیم و نکاتی فرهنگی است که مختص جامعه‌ی خود اوست، بسیار ضروری است؛ بنابراین شایسته است از داستان‌هایی متناسب با فرهنگ بومی بهره‌گرفت. ادبیات کهن ما گنجینه‌ای است شگرف از داستان‌های منظوم و منثور که در صورت بازنویسی مناسب، قابلیت بالایی برای استفاده در چنین حوزه‌هایی دارند. بازنویسی متون کهن با مقصود ساده نویسی و بازسازی زبانی و ساختاری، از شیوه‌های متداولی است که در همه جای دنیا کاربرد دارد. شاید بتوان یکی از اهداف مهم این شیوه



را آشنایی مردم و به طور خاص کودکان و نوجوانان با منابع کهن دانست. از این طریق، پیوند فرهنگی و ادبی بین نسل های گوناگون به وجود می آید (آقایی، ۱۳۹۱).

لیپمن معتقد است که فلسفه را می توان از نو به نحوی طراحی کرد که به کودکان پرشور و مشتاق خوشامد بگوید و مقبول طبع آنان قرار گیرد و برنامه درسی نیز به نحوی طراحی شود که بتواند از فلسفه استقبال خوبی به عمل آورد (قائدی، ۱۳۸۳). فلسفه، در صورتی که به عنوان فعالیت همگانی و گفت و گویی بر حسب آنچه سقراط انجام می داد در نظر گرفته شود، خیلی بهتر فهمیده می شود تا اینکه صرفاً به عنوان یک موضوع درسی در نظر گرفته شود که باید در حافظه کودک ریخته شود (قائدی، ۱۳۸۷).

آنچه نقش داستان را به منزله ابزار آموزشی بارز می کند این است که داستان ها با بهره گیری از ساختاری منسجم به شرح واقعه یا مجموعه ای از وقایع تخیلی می پردازند و موجب رشد شخصیت ها، انگیزه ها و آهنگ داستان می شوند و تجربه ای را با خواننده به اشتراک می گذارند. نکته ی مهم دیگر انتخاب موضوعات این داستان ها از میان مسائل عادی و روزمره است. هدف این است که، با اشاره به اهمیت ضمنی این وقایع به ظاهر پیش پا افتاده بتوان پیچیدگی های ذهن و رفتار انسان را نشان داد و از این طریق خواننده را به تفکر واداشت. مفاهیم و اصول ادبی موجود در بسیاری از کتابهای کودکان، از جمله شخصیت پردازی، موضوع و ساختار منابع غنی برای آموزش تفکر هستند (فیشر، ۱۳۸۵).

فیشر استفاده از داستان های فکری موجود در متون ادبی را به عنوان شیوه ای نو ارائه داد و یسپرسن به فرهنگ وابستگی این برنامه اشاره و استفاده از داستان های بومی را به عنوان شیوه ای برای حل مشکل فرهنگ وابستگی داستان های لیپمن دانست. رویکرد یسپرسن بر فرهنگ وابستگی محتوای داستان فلسفی و طرح، انتخاب و بازنویسی داستان هایی از فرهنگ بومی تاکید دارد. ویردو نیز اینگونه استدلال کرده است که در میان تفاوت های فرهنگی، خصوصیات عام فرهنگی نیز وجود دارند که امکان انتقال و ارتباط تفکر را فراهم می سازند. یسپرسن با نقد محتوای داستانی لیپمن، استفاده از آن را برای سایر جوامع مناسب نمی داند. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱) بنابراین می توان گفت که فبک برنامه ای فرهنگ بنیان است، پس شایسته است به هنگام استفاده از این برنامه در هر جامعه ای، مختصات فرهنگی جامعه خویش را در نظر داشته باشیم و با بهره گیری از ادبیات ملی موجود، شرایط بهتری برای استفاده از این برنامه تدارک ببینیم.

داستان یکی از ابزارهایی است که ادبیات کودک برای بیان اهداف خود توانسته از آن بهره برد. برای این منظور متفکران به تعاریف مختلفی از داستان پرداخته اند. همچنان که هر کتاب درسی، مجموعه ای از اطلاعات وسیعی است که به دست محققان و برای محققان تالیف شده است (خسرونژاد، ۱۳۸۶). اما اگر مخاطب کتاب درسی، محققان نباشند و کتاب، کودکان را خطاب کند، شگردی برای برانگیختن مطالعه لازم می آید. داستان (رمان) به



تعبیر لیپمن؛ حاوی تخیل، موقعیتی فرضی، گفت و گویی پرتحرک، شخصیت هایی زنده، سبکی پرتراوت، جاندارانگاری، طنز یا همه اینهاست (لیپمن، ۲۰۰۶). مولف با این شیوه ها می تواند اطلاعاتی را که می خواهد انتقال دهد، به شکل داستانی در آورد که خواننده با آن همانند سازی کند و از آن لذت ببرد و آن را بفهمد. از نظر لیپمن؛ " نویسندگان فلسفه برای کودکان می توانند در هر صفحه، روابط، مسائل و معانی ظریف فلسفی را جا دهند... یک جمله یا کلمه کودکان را بر می انگیزد... و جست و جوی آنان آغاز می شود و تا زمانی که متقاعد نشوند معنای آنچه را نوشته یا گفته شده دریافته اند، این جست و جو ادامه می یابد" (همان). لیپمن بر این باور است که دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته فلسفه، برای مطالعه متون بسیار انتزاعی، انگیزه شخصی و درونی دارند، اما کودکان نیازمند این هستند که برای چنین کاری برانگیخته شوند و داستان، معمولاً بهترین راه برای رسیدن به این هدف است.

داستان می تواند دنیایی خیالی را به منزله موضوع کاوش فکری خلق کند؛ زیرا داستان ساختاری هوشمندانه دارد که در عین این که ما را از بند این جا و اکنون رها می کند، به بیان روال عادی وقایع می پردازد، وسیله ای برای درک جهان و خویشتن است و دغدغه های بشری را در خود جای می دهد. به عبارت دیگر، همان گونه که فیشر معتقد است لایه های متفاوت معنایی و مفهومی در داستان ها به خواننده کمک می کنند تا به بینشی نو در مسائل مختلف زندگی دست یابد (فیشر، ۲۰۰۳). از کارکردهای داستان پیدایش سوالاتی در ذهن خواننده است که اعتقادات و باورها و درست ها و نادرست ها در روابط انسانی و اجتماعی را هدف قرار می دهد.

نقش داستان خلق استعاره ای برای زندگی واقعی انسان هاست و همین موجب پیوند انسان با آن است. مشخصه مهم این استعاره، تمرکز حول محور شخصیتی خاص است که هدف و انگیزه دارد و برای رسیدن به هدفش با موانعی روبه روست؛ و همین پیرنگ داستان را شکل می دهد. جریان مبارزات این شخصیت و حوادثی که برای او روی می دهد به خواننده هم مربوط می شود (Haven, 2007). و خواننده را به تفکر وامی دارد. آنچه در داستان ترسیم می شود کم و بیش شبیه آن چیزی است که هر انسانی می تواند در زندگی واقعی خود تجربه کند. اگر وقایع داستان خوب پی ریزی شده باشند، واکنش های عاطفی ما را تنظیم می کنند، همین معنای عاطفی، طرح داستان را شکل می دهد (فیشر، ۲۰۰۳).

می توان گفت که زندگی بشر نیز نوعی داستان منسجم است، که هر کس در آن نقشی دارد و به شکلی به اصالت وجود و حقیقت و مرگ معنا می بخشد. این روایت از زندگی که قدرت تخیل انسان ها را تقویت می کند تا از تجربیات منعکس در آن ها بیاموزند و آن ها را در زندگی واقعی به کار گیرند. اگان بر آن است داستان ها دارای نیروی عاطفی هستند و یکی از دلایل وجود این نیروی عاطفی در داستان ها این است که، برخلاف تاریخ و زندگی، آغاز و پایان دارند و به همین سبب می توانند به وقایع معنا بخشند. به عبارت دیگر، در حالی که در



زندگی نوعی آشفتگی وجود دارد، در داستان همه چیز مشخص و تعیین شده است. پایان داستان آنچه را در ابتدا مطرح شده و در روند داستان پرورش یافته است، از نظر منطقی، کامل می کند و یا، از نظر عاطفی، برآورده می سازد. به همین علت، پایان داستان نقش عاطفی گسترده ای در جذابیت داستان دارد. انسان ها به این پایان نیاز دارند، زیرا در زندگی واقعی همیشه در جریان رویدادهای زندگی قرار دارند و نمی توانند به قدر کافی در آن ها تامل کنند و در مورد معنی و مفهوم شان درست بیندیشند. در حالی که داستان این امکان را فراهم می کند و خواننده می داند که به پایان ماجرا رسیده است؛ می داند چطور راجع به وقایع آن فکر کند و چه احساسی داشته باشد (Haven, 2007).

البته داستان هایی هم هستند که عناصر خیالی و تاریخی را با هم در می آمیزند و این ممکن است با زندگی روزمره خواننده فاصله داشته باشد، اما آنچه اهمیت دارد این است که داستان ادبی خوب ادراکی را خلق می کند که موجب می شود کودک بتواند گریابی داستان را در یابد، در رویدادهای داستان تامل کند و تجربه های موجود در آن را درک کند. نکته ی مهم این است که داستان ها کشش عاطفی ایجاد می کنند و با طرح چالش های ذهنی، موجب رشد شناخت در کودکان می شوند.

استفاده از زبان، کلید واژه داستان و داستان خوانی است. زیرا کلمات، بر طبق نظر ویگوتسکی نشانگر تفکرند (Vygotsky, 1968) ارتباط فکری بین انسان ها از طریق زبان به دست می آید، با استفاده از زبان می توان به چیزهای مشاهده نشدنی دست یافت و بدون نیاز به تجربه کردن، در باره تجارب دیگران به گفت و گو پرداخت. کودکان از طریق زبان به ادبیات پاسخ می دهند، پاسخ هایشان را روشن می کنند و تعمیم می بخشند و در عین حال به درکی عمیق از اثر ادبی و اصول آن می رسند. گفت و گوی هدفمند، پس از تجربه خواندن یک اثر ادبی همان گونه که اسلون می گوید نقش آزمایشگاه را پس از تدریس نظری علوم دارد (Sloan, 1991). گفت و گو تجربه ایده ها، کشف مفاهیم، مشاهده و نتیجه گیری را فراهم می کند

داستان محرک تفکر و تخیل کودک است. داستان خوانی جمعی می تواند مشارکت او را بر انگیزد و او را ترغیب کند تا به شخصیت ها شکل دهد، در باره وقایع مختلف داستان فکر کند، به جست و جوی راه حل بپردازد، خود را در موقعیت شخصیت های داستان بگذارد و در آن موقعیت تصمیم بگیرد. داستان خوب می تواند در کودک انگیزه ایجاد کند و دقت و تمرکز فکری او را جلب کند تا بتواند آنچه را فرا گرفته است در زندگی واقعی به کار گیرد.

محتوادر برنامه ی درسی فلسفه برای کودکان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. معمولاً محتوای داستان ها در این حیطه ، مبتنی بر فرهنگ یک جامعه است. یکی از مهمترین خلأهایی که در حوزه ی فلسفه برای کودک در این جوامع احساس می شود، نبود کتاب های است که این فرآیند را در قالب بومی به مخاطب داخلی معرفی



کند. اما آنچه تاکنون در حوزه فلسفه برای کودک، در این جوامع، از جمله ایران ارائه شده، بیشتر ترجمه یا تعریف ماهیت طرح آموزشی فلسفه برای کودک بوده است که مبتنی بر فرهنگ جامعه مولد این برنامه است؛ و آنچه تا امروز شاهد بوده ایم، با وجود قوتی که دست کم برخی آثار در ترجمه داشته اند، طرح بحث با نیاز مخاطب داخلی متناسب نبوده است به گونه ای که برخی مؤلفه های داستانی کتابهای ترجمه شده، هیچ سنخیتی با فرهنگ مابہ عنوان خط قرمز تعریف شده اند. بر این اساس لازم است برای آموزش برنامه فلسفه برای کودکان در کشور به اموری که از ادبیات ایرانی - اسلامی خود که سرشار از آموزه های غنی فرهنگی و دینی است، اهتمام ورزیم.

نسل امروز باید بدانند که پشتوانه ی غنی از آثار ادبی ایران نهفته است که می تواند در جهت تعلیم و تربیت و رشد و تعالی آنها مؤثر باشد، راههایی که با هزاران زحمت می خواهند تجربه کنند و به نتیجه برسند قبلاً آزموده شده و آثار خیر و شر آن در قالب داستان های حکمی، رمزی و فلسفی بیان گردیده است (ذبیحی، ۱۳۹۲).

از آنجائیکه ادبیات کهن ما گنجینه ای است شگرف از داستان های منظوم و منثور که در صورت باز نویسی مناسب، قابلیت بالایی برای استفاده در چنین حوزه های رادار، ضرورت دارد ضمن توجه به محتوای داستان هابر مبنای ادبیات داستانی ایرانی - اسلامی، بر عملی نمودن و گسترش این برنامه به مورد گیری از قبیل آموزش مربیان در این زمینه، ارائه کتابهای کاربردی و اجرایی کردن آن در سطح کلان در برنامه ی درسی، پرداخته شود.

یکی از منابع غنی داستان و داستان گوئی در نزد ایرانیان، کتاب مثنوی مولوی است. از قدیم الایام داستان های مثنوی ابزاری مناسب برای آموختن نکات اخلاقی و دینی در خانواده های ایرانی و همین طور مدارس کشورمان بوده است. مثنوی معنوی شاهکار قرن هفتم هجری بر قصه استوار است، چرا که مولانا در آن مفاهیم مورد نظر خود را در قالب شعر و به شکل داستان هایی ارائه می دهد که در برگزیده موضوعات مختلفی هستند. مولانا در خلال بیان صحنه های مختلف و به ویژه در بسیاری از موارد در نتیجه گیری داستان ها، مجال می یابد تا مفهوم مورد نظر خود را بر خواننده عرضه کند، بنابراین مخاطب بین باور قصه و تجربه یکی شدن با جریان قصه در نوسان است (سبزیان پور، ۱۳۹۰).

یکی دیگر از این متون کهن و ارزشمند ادبی، کتاب کلیله و دمنه است؛ کتابی سرشار از مفاهیم اخلاقی و اجتماعی که چگونه زیستن را به خواننده خویش می آموزد. کلیله و دمنه اثری است به زبان سانسکریت که در دوران ساسانی به فارسی میانه ترجمه شد. به بیان دقیق تر اینکه، اصل این کتاب از هند است و برزویه طبیب در عصر انوشیروان آن را به فارسی در آورده است. کتابی پند آمیز که در آن حکایت های گوناگون (بیشتر از زبان حیوانات) نقل شده است. پس از اسلام، ابن مقفع آن را به عربی و چندی بعد نصرالله منشی آن را به فارسی ترجمه کرده است. در قرن دهم هجری نیز باز نویسی ای از این اثر ارزشمند از سوی حسین کاشفی به نام "انوار سهیلی" انجام شده که حکایت از ارزش و اهمیت این گنجینه ی ادبی دارد (صفری و همکاران، ۱۳۹۰).



قزل ایاغ (۱۳۸۹) معتقد است که «ایران کشوری است با سابقه دیرینه فرهنگی، شش هزار تمدن، و ۲۵۰۰ سال تاریخ مدون که ادبیاتی غنی و پر بار، هم در شکل شفاهی و هم در شکل نوشتاری، دارا می باشد». داستان های فارسی اشکال و کاربردهای زیادی دارند. که می توان به چند نوع از داستان های ایرانی اشاره نمود:

۱- اسطوره ای حماسی که شناسنامه هر قوم است، مانند شاهنامه فردوسی، گرشاسب نامه اسدی طوسی و سام نامه خواجه کرمانی؛

۲- دینی مذهبی و تعلیمی، مثل بوستان و گلستان، مثنوی، آثار عطارو...؛

۳- غنایی مانند یوسف و زلیخا، و بیژن و منیژه فردوسی؛ وامق و عدرا عنصری؛ ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی؛ خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی و هشت بهشت امیر خسرو دهلوی؛

۴- سرگرم کننده و سرگذشت عیاران مانند سمک عیار فرامرز بن خداداد و سندباد و هزار و یک شب؛

۵- رمزی مانند حی بن یقضان، رساله الطیر، آواز پر جبرئیل، عقل سرخ و فی حاله الطفولیه سهروردی؛

۶- تعلیمی (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱).

تنوع داستانی در ادبیات فارسی می تواند از جنبه های مختلف مورد توجه قرار گیرد. تقوی (۱۳۷۶) اظهار می کند به طور کلی داستانها با سه بعد از شخصیت آدمی سروکار دارند. داستان های حماسی، بیشتر براراده و اختیار و قدرت مخاطب سرو کار دارند؛ داستان های دینی، تاریخی، رمزی و تعلیمی با دعوت به تعقل، اندیشه و تقویت معرفتی مخاطب سرو کار دارند و داستان های غنایی بیشتر با عواطف و احساسات سرو کار دارند.

بر این اساس در میان متون ادبی (پیوند فلسفه و ادبیات) که برگرفته از فرهنگی اسلامی - ایرانی است، داستان های با مضامین فلسفی موجود است که می توان آنها را به شکلی بازنویسی نمود که در اجتماع پژوهی مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین به کمک این داستان ها می توان به جنبه های بیشتری از فلسفه دست یافت.

نتیجه گیری

از آنچه بحث شد می توان نتیجه گرفت که داستان ها برای رشد تفکر کودک یا همان فلسفه ورزی کودک ابزار مناسبی هستند. امروزه استفاده از داستان و داستان خوانی به منزله ابزاری برای پیشبرد تفکر کودکان ضروری است. از نظر لیپمن بهترین دوره برای پرورش تفکر، دوران کودکی است و بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان داستان است، زیرا داستان باید شنونده خود را کنجکاو کند و برای ارضاء میل کنجکاویش او را وادار به دنبال کردن در باره ماجراهای داستان کند (میر صادقی، ۱۳۸۸) در این برنامه، موضوعاتی که قصد آموزش آن است، در قالب داستان به گونه ای بیان می شود که کودک را وادار به اندیشیدن می کند. باید توجه داشت که در این روش هدف القاء معانی به کودکان نیست بلکه هدف در این برنامه، آموزش چگونه اندیشیدن به کودک است.



معمولا محتوای داستان ها در این حیطة، مبتنی بر فرهنگ یک جامعه است که این فرهنگ خود شامل آداب و رسوم، ارزش ها، اعتقادات و تعامل بین افراد یک جامعه است که البته مورد وفاق افراد آن جامعه است. برنامه فلسفه برای کودکان مورد استقبال جوامع دیگر واقع شد و توسط صاحبان اندیشه در این جوامع اجرا شد. یکی از جدی ترین خلاءهایی که در حوزه ی فلسفه برای کودک در این جوامع حس می شود، نبود کتاب هایستی که این فرایند را در قالب بومی به مخاطب داخلی معرفی کند. در واقع، جای خالی کتاب هایی با شاکله و ویژگی های بومی در این حوزه خالی است، اما آنچه تاکنون در حوزه فلسفه برای کودک، در این جوامع، از جمله ایران ارائه شده، بیشتر ترجمه یا تعریف ماهیت طرح آموزشی فلسفه برای کودک بوده است که مبتنی بر فرهنگ جامعه ی مولد این برنامه است؛ بنابراین در این حیطة با توجه به آنکه حوزه ای نوپا در کشورمان به حساب می آید، تاکنون کتابی را با ویژگی های بومی تجربه نکرده است و آنچه تا امروز شاهد بوده ایم، با وجود قوتی که دست کم برخی آثار در ترجمه داشته اند، طرح بحث با نیاز مخاطب داخلی متناسب نبوده است به گونه ای که برخی مولفه های داستانی کتاب های ترجمه شده، هیچ سنخیتی با فرهنگ و اجتماع ما ندارند و گاه در این داستان ها شاهد نمود اموری هستیم که در فرهنگ ما به عنوان خط قرمز تعریف شده اند. بر این اساس لازم است برای آموزش برنامه ی فلسفه برای کودکان در کشور به اموری که از ادبیات بومی خود – که سرشار از آموزه های غنی فرهنگی و دینی است – اهتمام ورزیم، زیرا تفکر به صورت انتزاعی اتفاق نمی افتد، بلکه حاصل همزیستی با فرهنگ است که در این پژوهش در پی برقراری چنین ارتباطی بین تفکر و فرهنگ هستیم تا بتوانیم تفکر مبتنی بر فرهنگ و فرهنگ مبتنی بر تفکر داشته باشیم، البته باید گفت در برنامه فلسفه برای کودکان، صرفا تلاش در زمینه ی بومی سازی محتوای داستان ها بر مبنای ادبیات بومی، کفایت نمی کند، بلکه لازم است برای عملی نمودن و گسترش این برنامه به امور دیگری از قبیل آموزش مربیان در این زمینه، ارائه کتاب های کار به مربیان و اجرایی کردن آن در سطح کلان در برنامه درسی پرداخته شود.

Abstract:

The necessity of the application of Islamic Iran in the content Philosophy for Children's Fiction

The aim of this study need to use fiction Islamic Iran in the content of philosophy to children in Iran. The curriculum of the stories used as the main teaching tool. In addition, the content of the story is one of the most important problems of philosophy for children. Given that most of the stories are widely translated in the program Philosophy for Children that This work fits with the culture of the West that is trying to teach subjects that are not familiar with the local culture of our land. This, localization and according to Islamic Iran's approach necessitates the Philosophy for Children program in fiction. This paper, endorsed the program of teaching philosophy to children, trying to show the Persian story of children's books in the curriculum is a necessity. And can have a significant role in children's thinking. So be looked stories as a teaching tool and Reading stories to



children in schools was one of the main programs So that children develop through dialogue about them raise their thinking.

Keywords: Philosophy for Children, Fiction, Iran- Islamic

منابع و ماخذ

- ۱- آقایی، خسرو (۱۳۹۱) "بازنویسی و بازآفرینی" کتاب ماه (ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان) سال پانزدهم، شماره ششم
- ۲- اکبری، احمد؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ شعبانی ورکی، بختیار؛ و تقوی، محمد (۱۳۹۱) فلسفه برای کودکان مضامین فلسفی در داستان های متون کلاسیک ادب فارسی، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم
- ۳- باقری، خسرو و همکاران (۱۳۸۹). رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه ی تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۴- تقوی، محمد (۱۳۷۶). حکایت های حیوانات در ادب فارسی، تهران: انتشارات روزنه.
- ۵- حسینی، افضل السادات، قائدی یحیی و حسینی، سید حسام (۱۳۹۱) « بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه ورزی به کودکان و نسبت آن با برنامه ی درسی رسمی»، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی دانشگاه الزهراء (س) دوره ۷، شماره ۲.
- ۶- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۶) «تأملی بر همنشینی ادبیات کودک و فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان نوآوریهای آموزشی»، سال ششم، شماره دوم.
- ۷- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۹) معصومیت و تجربه درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک، تهران: مرکز
- ۸- رحیمی نسب، حجت اله (۱۳۸۶) «مکان سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان و عوامل فردی مرتبط با آن در دوره ابتدایی» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهیدباهنر کرمان.
- ۹- ذبیحی، معصومه (۱۳۹۲). «کودک و داستان های فکری در شاهنامه». فلسفه و کودک، سال اول، شماره اول.
- ۱۰- سبزیان پور، وحید؛ خسروی، سمیره؛ رضایی، صدیقه (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل نقش کودک در داستان از مثنوی، ماهنامه کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۱۷۱
- ۱۱- شعبانی، حسن (۱۳۸۲)، روش تدریس پیشرفته، تهران: انتشارات سمت
- ۱۲- صفایی مقدم، مسعود، (۱۳۷۷) " برنامه آموزش فلسفه به کودکان " فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه الزهراء سال ۷، ش ۲۶-۲۷ صص ۱۸۴- ۱۶۱
- ۱۳- صفری، جهانگیر؛ رحیمی، مسعود؛ نجفی بهزادی؛ سجاد (۱۳۹۰) "نگاهی بر عناصر داستان در بازنویسی



کتاب *قصه های شیرین کلیده و دمنه برای نوجوانان* " مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال دوم، شماره دوم

۱۴- فیشر، رابرت (۲۰۰۳) *آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیان زاده، اهواز: رسش*

۱۵- فیشر، رابرت (۲۰۰۵) *آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز، رسش*

۱۶- قائدی، یحیی، (۱۳۸۳) *مبانی آموزش فلسفه به کودکان، تهران: انتشارات دواوین*

۱۷- قائدی، یحیی، (۱۳۸۷) " *برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره ابتدایی* " مجموعه مقالات نوآوری در برنامه های درسی دوره ابتدایی، انتشارات دانشگاه شیراز

۱۸- کومبز، جرالدار، دنیلز، لو روی بی (۱۳۷۸) *پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی، ترجمه ی خسرو باقری، برگرفته از کتاب سی شورت، ادموند، ترجمه ی محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: انتشارات سمت*

۱۹- گوتهک، جرالدار ال (۱۳۸۰) *مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه: محمد جعفر پاک سرشت، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول*

۲۰- میرصادقی، جمال (۱۳۸۸) «*عناصرداستان*»، تهران: انتشارات سخن.

۲۱- ناجی، سعید، (۱۳۸۷) *کندوکا و فلسفی برای کودکان و نوجوانان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی*

Beggeri M & santi M (2012) the missing dimensions of children's wellbeing and well becoming in education system capabilities and philosoph for children vol,12, Lss 3, pp 373-395

Ewers, Hans- Heino (2009) *Fundamental Concepts of Childrens Literature Research*, UK: Taylor & Francis Routledge

Fisher, Robert (2003) *Teaching: philosophical Enquiry in the Classroom*, London: Continuum.

Garrat D & piper H (2012) citizenship education and philosophical enquiry: putting thinking back into practice *Journal education citizenship and social Joustice*, vol,7, no,4. Pp:71-84.

Haynes Ann (2002) *children as phibsopher* Rutledge flamer London and newyork.

Haven, Kendall (2007) *Story proof. The Science Behind the Startling power of Story*, CA: Libraries Unlimited

Lambright, Lesley, L. (1995) *Creating a Dialogue Socratic Seminars and Educational Reform*, *Community College Journal*, 65

Lipman, M, (2003) *thinking in Education* Cambridge univ, press.

Sloan, Gary David (1991) *The child as Critic: Teaching Literature in Elementary and Middle Schools*, New York: Teachers College Press

Vygotsky, Lev. S. (1986) *Thought and Language*, Cambridge, MA: MIT Press.

Lipman, Matthew (2003) *Thinking in Education*, (edn) Cambridge & New York: Cambridge University press